چرا قاتل شهید آرمان علی‌وردی مشخص نشد؟

پرونده‌ای که عدالت را در برابر یک قتل جمعی به چالش کشید

حسین فصیحی

شامگاه چهارم آبان ۱۴۰۱، در میان التهاب اغتشاش‌های آن روزها، شهرک اکباتان تهران صحنه یکی از خشن‌ترین تصاویر ثبت‌شده در حافظه معاصر ایران شد؛ جایی که شهید آرمان علی‌وردی، طلبه ۲۱ ساله و عضو بسیج، در محاصره گروهی از مهاجمان گرفتار شد و ساعاتی بعد، پیکرش غرق در خون به بیمارستان منتقل شد؛ جوانی که شدت جراحات، مجالی برای بازگشتش باقی نگذاشت.

■ ■ ■

فیلم‌های منتشرشده از لحظات حمله، افکار عمومی را در شوکی کم‌سابقه فرو برد. تصاویر نشان می‌داد مهاجمان با چاقو، سنگ، مشت و لگد به جوانی بی‌دفاع حمله می‌کنند و به شیوه دلخراشی، خشونتی بی‌سابقه را ثبت می‌کنند. همان روزها، خشم عمومی از عاملان حادثه بالا گرفت و مطالبه برخورد قضایی سریع، به یکی از مطالبات جدی جامعه تبدیل شد.

پرونده‌ای با دهها روایت متناقض

اما آنچه بعدها این پرونده را به یکی از پیچیده‌ترین پرونده‌های جنایی ـ امنیتی سال‌های اخیر تبدیل کرد، نه فقط صحنه قتل، بلکه مسیر پرپیچ‌وخم رسیدگی قضایی بود.

پس از شهادت این طلبه جوان، دستگاه قضایی و پلیس با دستورهای ویژه وارد عمل شد. پلیس طی بررسی‌های گسترده، شماری از متهمان را شناسایی و بازداشت کرد. متهمانی که برخی از آنان در بازجویی‌ها به حضور در صحنه حمله و حتی وارد کردن ضربه اعتراف کرده‌بودند. در میان هزاران صفحه بازجویی، گزارش ضابطان و صورتجلسه‌های پرونده شهادت آرمان علی‌وردی، بخشی از اظهارات یکی از متهمان بیش از هر چیز توجه افکار عمومی را جلب کرد؛ مجرمی ۲۳ ساله که در بازجویی‌ها، با لحنی سرد و آمیخته به نوعی آشفتگی ذهنی، شبی را روایت کرد که به یکی از خونبارترین شب‌های ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ تبدیل شد. او نه سابقه فعالیت سیاسی شناخته‌شده‌ای داشت و نه حتی مدعی بود مقتول را از قبل می‌شناخته است. خودش گفته بود بیشتر روزهایش را در فضای مجازی، سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی می‌گذراند؛ جوانی بیکار که به گفته خودش، تحت تأثیر «هیجان خیابان، فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای» قرار گرفته بود.

وقتی از او پرسیده‌بودند چگونه وارد ماجرای حمله به طلبه جوان شده‌است. پاسخ متهم، تصویری از شکل‌گیری یک خشونت دسته‌جمعی در فضای ملتهب آن روزها ارائه می‌کرد؛ او گفته‌بود که آن شب یکی از دوستانش مشخصات یک «طلبه بسیجی» را در میان جمعیت شناسایی کرده و به بقیه اطلاع داده‌بود. بعد از آن، چند نفر به تعقیب جوان ۲۱ ساله پرداختند. به گفته متهم، آرمان کیفی در دست داشت و تلاش می‌کرد از میان ازدحام عبور کند، اما گروه مهاجمان او را تا نزدیکی یکی از بلوک‌های شهرک اکباتان دنبال کردند. آنجا بود که حلقه محاصره شکل گرفت؛ حلقه‌ای که بعدها فیلم‌هایش به یکی از تکان‌دهنده‌ترین تصاویر ثبت‌شده از خشونت خیابانی در سال‌های اخیر تبدیل شد.

متهم در اعترافاتش گفته بود: «همه او را می‌زدند... شاید بیشتر از ۱۰ نفر بودیم» او توضیح داده‌بود که خودش نیز چاقو در دست داشته و ضربه‌ای وارد کرده‌است. در همان روایت، از فرد دیگری نام برده که با سنگ به سر طلبه جوان ضربه زده‌بود. مهاجمان پس از آنکه آرمان علی‌وردی به‌شدت مجروح روی زمین افتاد، محل را ترک کردند و او را نیمه‌جان در خیابان رها کردند. آنچه این بخش از پرونده را هولناک‌تر می‌کرد، نه فقط شرح صحنه حمله، بلکه نوع نگاه متهم به ماجرا بود؛ روایتی که در آن، قتل یک انسان بیشتر شبیه ادامه هیجان جمعی خیابان تصویر می‌شد تا مواجهه با واقعیت مرگ.

او بعدها گفته بود خبر شهادت طلبه جوان را از فضای مجازی فهمیده است؛ زمانی که تصاویر و اخبار حادثه در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شد و حتی خانواده‌اش نیز در خانه درباره آن صحبت می‌کردند. همان زمان، به گفته خودش، متهمان دریافتند تحت تعقیب پلیس قرار گرفته‌اند و به فکر فرار از کشور افتادند؛ فراری مخفیانه از مرز، پیش از آنکه بازداشت شوند.

تجربه خیابانی

در بخش دیگری از بازجویی، متهم مدعی شده بود اقدام آنان «دستور تشکیلاتی» نداشته و بیشتر محصول فضای هیجانی آن روزها بوده‌است. او از تأثیر شبکه‌های ماهواره‌ای، اینستاگرام و مصرف مواد مخدر سخن گفته بود؛ از قرص‌های روانگردان، شیشه و گل که به گفته او، در رفتارهای خشونت‌آمیز آن شب بی‌تأثیر نبوده‌اند. در اعترافات ثبت‌شده، او حتی از یکی از دوستانش نام برده بود که پیش‌تر در ناآرامی‌ها کوکتل مولوتوف ساخته و استفاده کرده‌بود؛ نشانه‌ای از آنکه بخشی از متهمان، پیش از حادثه اکباتان نیز در فضای خشونت خیابانی حضور فعال داشته‌اند.

عادی‌شدن خشونت

اما شاید جنجالی‌ترین بخش اظهارات او، مربوط به فیلمی بود که پس از شهادت آرمان علی‌وردی در فضای مجازی منتشر شد؛ فیلمی که در آن، یکی از حاضران با لحنی تهدیدآمیز از ادامه چنین اقدامات خشونت‌آمیزی سخن می‌گفت. متهم در بازجویی ادعا کرده بود هدف از انتشار آن ویدئو «ترساندن افراد» بوده‌است؛ جمله‌ای که بعدها در افکار عمومی به عنوان نشانه‌ای از عادی‌شدن خشونت در ذهن برخی عاملان پرونده تعبیر شد. همین اعترافات، بعدها به یکی از محورهای مهم دادگاه تبدیل شد؛ دادگاهی که اگرچه مشارکت متهمان در ضرب‌وجرح را محرز دانست، اما در نهایت بر سر تعیین «ضربه منتهی به مرگ» با بن‌بست قضایی روبه‌رو شد؛ بن‌بستی که هنوز هم، چهار سال پس از آن شب خونین، سایه خود را بر پرونده شهادت این طلبه جوان انداخته است.

۲ دادگاه، ۲ مسیر متفاوت

پرونده شهید علی‌وردی در دو شاخه جداگانه به جریان افتاد؛ بخش نخست در شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک استان تهران با محوریت اتهام قتل عمد و بخش دوم در دادگاه انقلاب با اتهاماتی چون محاربه و جرائم امنیتی. در مرحله نخست رسیدگی کیفری، برای شش متهم حکم قصاص صادر شد؛ حکمی که امید خانواده مقتول و بخشی از افکار عمومی را به اجرای عدالت افزایش داد. اما این پایان ماجرا نبود. دیوان عالی کشور با استناد به نقص تحقیقات، رأی را نقض کرد. استدلال اصلی این بود که با وجود احراز مشارکت متهمان در ضرب‌وشتم، مشخص نشده کدام ضربه مستقیماً موجب خونریزی مغزی و مرگ شده است.

پرونده بار دیگر به دادگاه بازگشت. کمیسیون پزشکی قانونی دوباره تشکیل شد. فیلم‌ها، کالبدگشایی، شهادت‌ها و بازسازی صحنه بار دیگر بررسی شد، اما نتیجه نهایی همچنان همان بود: «علت فوت، اصابت جسم سخت به سر اعلام شده، اما تعیین اینکه کدام متهم ضربه منجر به مرگ را وارد کرده، ممکن نیست.»

قتل جمعی بدون قاتل مشخص

دادگاه در رأی خود تصریح کرد که مشارکت متهمان در ضرب و جرح قطعی است، اما برای اثبات قتل عمد، باید رابطه مستقیم میان رفتار متهم و مرگ مقتول احراز شود؛ موضوعی که به گفته قضات، در این پرونده ممکن نشده‌است. در نهایت، سه متهم به پرداخت دیه و حبس محکوم شدند و سه نفر دیگر از اتهام مشارکت در قتل عمد تبرئه شدند. رأیی که بلافاصله واکنش‌های گسترده‌ای را در فضای عمومی و رسانه‌ای به دنبال داشت.

منتقدان می‌پرسند چگونه ممکن است فردی در میان حلقه‌ای از مهاجمان کشته شود، اما در نهایت «قاتل مشخص» وجود نداشته باشد؟ آیا در پرونده‌ای که ده‌ها نفر در یک خشونت جمعی مشارکت داشته‌اند، ناتوانی در تعیین ضربه نهایی می‌تواند مسئولیت کیفری را از دوش عاملان بردارد؟

پرسشی که همچنان باقی است

پرونده شهید آرمان علی‌وردی اکنون فقط یک پرونده جنایی نیست؛ بلکه به نمادی از چالش دستگاه عدالت در مواجهه با «خشونت جمعی» تبدیل شده‌است. پرسشی که در متن این پرونده شکل گرفت، فراتر از سرنوشت چند متهم است: وقتی انسانی در میان جمعی مهاجم کشته می‌شود و هیچ‌کس مسئول مستقیم مرگ شناخته نمی‌شود، حق مقتول چگونه احیا خواهد شد؟ چهار سال پس از آن شب خونین اکباتان، هنوز بخشی از پرونده در دادگاه انقلاب مفتوح است و افکار عمومی همچنان در انتظار پاسخی روشن برای این پرسش تاریخی مانده‌اند؛ آیا عدالت توانسته است برای طلبه ۲۱ ساله‌ای که در تاریکی شب قربانی خشونت شد، راهی به حقیقت پیدا کند یا نه؟

قتل مرموز مترجم زن در آپارتمان سعادت آباد

■ **غلامرضا مسکنی**

کشف جسد خونین زن ۵۲ ساله‌ای که در حوزه مترجمی فعالیت داشت، در آپارتمانش در سعادت‌آباد، تیم جنایی پایتخت را با معمای یک قتل مرموز روبه‌رو کرد؛ جنایتی که بررسی‌ها نشان می‌دهد عامل یا عاملان آن احتمالاً از آشنایان مقتول بوده‌اند.

ساعت ۶ عصر روز پنج‌شنبه، سی‌ویکم اردیبهشت ماه امسال، مأموران کلانتری ۱۳۴ شهرک غرب تماسی تلفنی با قاضی سالار صنعتگر، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران، برقرار کردند. خبر از مرگ مشکوک یک زن میانسال در خانه‌اش داشت. قاضی جنایی بلافاصله همراه با تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل حادثه شدند. محل حادثه، طبقه دوم یک ساختمان مسکونی در منطقه سعادت‌آباد بود که ساکنان آن حادثه را به پلیس گزارش داده‌بودند.

صحنه دلخراش؛ خفگی و ضربات محکم

تیم جنایی وقتی پای در قتلگاه گذاشت، با جسد زن ۵۲ ساله‌ای به نام فرزانه در داخل آشپزخانه روبه‌رو شد. پارچه‌ای دور گردنش پیچیده شده‌بود و آثار زخم‌های عمیق روی سرش به وضوح دیده می‌شد. کارشناسان پزشکی قانونی در همان محل اعلام کردند که مقتول بر اثر خفگی و ضربات جسم سخت به سرش حدود یک روز قبل به قتل رسیده‌است. مأموران همچنین با بهم ریختگی وسایل خانه روبه‌رو شدند. وسایل و اثاثیه به هم ریخته‌بود. معلوم بود عامل یا عاملان قتل پس از حادثه در جست‌وجوی شیء یا مدرکی بوده‌اند، اما در بررسی اولیه مشخص نشد که آیا چیزی از خانه سرقت شده‌است یا نه.

قفل سالم؛ ردپای افراد آشنا

بررسی‌های کارآگاهان جنایی نشان می‌داد قفل در ورودی آپارتمان مقتول سالم است و هیچ اثری از تخریب روی آن دیده نمی‌شود. این فرضیه برای مأموران قوت گرفت که قاتل یا قاتلان، افراد آشنایی بوده‌اند که یا کلید داشته‌اند یا با هماهنگی زن میانسال وارد ساختمان شده‌اند و در فرصتی مناسب، با انگیزه‌ای نامعلوم او را به قتل رسانده و از محل فرار کرده‌اند.

زندگی تنها و آرام

تحقیقات نشان می‌داد مقتول زنی تنها بوده‌است. او سال‌ها قبل از همسرش جدا شده‌بود و دو فرزندش پس از جدایی، همراه پدرشان در کشور آلمان زندگی می‌کردند. به گفته همسایه‌ها، فرزانه از یک سال قبل در این ساختمان سکونت داشت و در این مدت هیچ مشکلی با همسایه‌ها نداشت. او زنی منظم، ساکت و بی‌آزار بود. فرزانه در کار مترجمی فعالیت داشت و هر روز از خانه به محل کارش رفت و آمد می‌کرد، اما ساکنان ساختمان از یک روز قبل او را ندیده بودند.

صدای شرشر آب، زنگ خطر

بازپرس جنایی در ادامه بررسی‌ها به سراغ یکی از ساکنان ساختمان رفت که حادثه را به پلیس خبر داده بود. او به مأموران گفت: «مقتول زن منظمی بود و در تمام جلسات ساختمان شرکت می‌کرد. قرار بود جلسه‌ای برگزار کنیم، اما هر چقدر با تلفنش تماس گرفتیم، جواب نداد. از سوی دیگر، یکی از همسایه‌ها از شب قبل صدای شرشر آب را از خانه او شنیده بود. همین موضوع باعث شد ما مشکوک شویم. در خانه‌اش را زدیم، اما جوابی نداد. موضوع را به پلیس گزارش کردیم و درخواست کمک کردیم. پلیس با دستور قضایی در را باز کرد و ما با جسد خونین او روبه‌رو شدیم.»

در تحقیقات از همسایه‌ها، مأموران همچنین دریافتند شب قبل از کشف جسد، صدای مشاجره از خانه فرزانه به گوش یکی از همسایه‌ها رسیده‌است، اما به دلیل اینکه صدا خیلی زود قطع شده‌بود، کسی به آن مشکوک نشده‌بود.

آغاز تحقیقات گسترده

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی برای انجام آزمایش‌های لازم، مأموران تحقیقات گسترده‌ای را درباره این حادثه آغاز کردند. کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در تلاشند با بررسی‌های فنی، بازبینی دوربین‌های مداربسته محدوده و تحقیق از آشنایان و همکاران مقتول، عامل یا عاملان این قتل مرموز را شناسایی و راز این حادثه را فاش کنند.

عبور از عرض بزرگراه بازی با مرگ است

رئیس پلیس راهور تهران بزرگ از کاهش چشمگیر تصادفات فوتی پایتخت در آخرین هفته اردیبهشت خبر داد.

به گزارش «جوان»، سردار سید ابوالفضل موسوی‌پور گفت: در آخرین هفته اردیبهشت‌ماه تنها یک نفر در تصادفات تهران جان باخت؛ مرد ۵۵ ساله‌ای که هنگام عبور غیرمجاز از بزرگراه شهید زین‌الدین بر اثر برخورد با پژو پارس جان خود را از دست داد. وی ادامه داد: این حادثه بامداد چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت‌ماه در مسیر شرق به غرب بزرگراه شهید زین‌الدین و در محدوده تالار صدف رخ داد. بررسی‌های پلیس نشان می‌دهد راننده یک دستگاه پژو پارس به دلیل عدم‌توجه به جلو با عابر پیاده‌ای برخورد کرده که به صورت غیرمجاز در حال عبور از عرض بزرگراه بوده‌است. عابر که مردی ۵۵ ساله بود، به دلیل شدت جراحات در دم جان باخت. رئیس پلیس راهور تهران بزرگ با اشاره به کاهش چشمگیر آمار حوادث فوتی در پایتخت تأکید کرد: عبور از عرض بزرگراه‌ها یکی از خطرناک‌ترین رفتارهای ترافیکی است و رانندگان در مسیرهای بزرگراهی انتظار حضور عابر پیاده را ندارند.

روش‌های سنتی پیشگیری از اعتیاد برای نسل Z جواب نمی‌دهد

مدیرکل پیشگیری ستاد مبارزه با موادمخدر با تأکید بر تغییر الگوی مصرف رسانه‌ای نسل‌های جدید گفت روش‌های سنتی تولید محتوا دیگر برای نسل‌های Z و آلفا اثرگذار نیست و باید از فناوری، هوش مصنوعی و آموزش‌های خلاقانه برای پیشگیری از اعتیاد استفاده شود.

به گزارش «جوان»، در نشست هم‌اندیشی معاونت پیشگیری و درمان ستاد مبارزه با موادمخدر با شرکت‌های دانش‌بنیان، زهرا عابدینی گفت ستاد مبارزه با موادمخدر به این جمع‌بندی رسیده که اکنون عصر «حکمرانی دانش‌بنیان» فرا رسیده و در حوزه پیشگیری باید از ظرفیت فناوری و شرکت‌های دانش‌بنیان برای شناسایی رفتارهای پرخطر استفاده شود. وی با اشاره به ضرورت تغییر شیوه‌های آموزشی افزود: «روش‌های سنتی تولید محتوا به‌ویژه برای نسل‌های Z و آلفا دیگر پاسخگو نیست و آموزش‌ها باید به‌صورت غیرمستقیم، خلاقانه و متناسب با فضای ذهنی کودکان، نوجوانان و جوانان ارائه شود.» به گفته او، استفاده از ابزارهایی مانند رسانه‌های دیجیتال، واقعیت مجازی و آموزش‌های نوآورانه می‌تواند اثرگذاری برنامه‌های پیشگیری را افزایش دهد.

عابدینی همچنین با اشاره به همکاری ستاد با آموزش و پرورش گفت از ظرفیت اپلیکیشن «شاد» برای دسترسی به جامعه دانش‌آموزی استفاده خواهد شد و محتواها باید به گونه‌ای طراحی شوند که دانش‌آموزان بتوانند با آنها ارتباط برقرار کنند. وی تأکید کرد هدف اصلی، افزایش تاب‌آوری اجتماعی و تقویت نظام پایش و ارزیابی در حوزه پیشگیری از اعتیاد است.

صدور ۱۱۲ هزار گواهینامه موتور برای نوجوانان ۱۶ ساله

رئیس پلیس راه راهور فراجا با اشاره به اجرای طرح صدور گواهینامه موتورسیکلت برای نوجوانان ۱۶ ساله در تهران، این اقدام را گامی مهم در راستای قانونمند شدن استفاده از موتورسیکلت در میان نوجوانان دانست و همزمان نسبت به سهم بالای موتورسیکلت‌ها در تصادفات فوتی هشدار داد.

سردار احمد کرمی اسد با اشاره به اجرای مصوبه قانونی کاهش سن دریافت گواهینامه موتورسیکلت از ۱۸ به ۱۶ سال اظهار کرد: این طرح در حال حاضر به صورت پایلوت در تهران در حال اجراست و تاکنون بیش از ۱۱۲هزار گواهینامه برای متقاضیان ۱۶ ساله صادر شده‌است.

وی افزود: اجرای این طرح، آغاز یک مسیر مهم برای قانونمند کردن حضور نوجوانان و جوانان در حوزه استفاده از موتورسیکلت به شمار می‌رود، چراکه بخش قابل توجهی از نوجوانان به استفاده از این وسیله نقلیه علاقه‌مند هستند و لازم است این موضوع در چارچوب قانون و آموزش‌های لازم مدیریت شود.

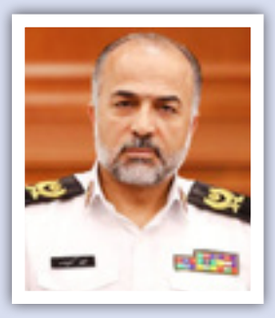

رئیس پلیس راه راهور فراجا با بیان اینکه موتورسیکلت‌ها سهم قابل توجهی در آمار تصادفات کشور دارند، تصریح کرد: حدود ۱۵ درصد متوفیان حوادث جاده‌ای بوده و نزدیک به ۳۵ درصد از تصادفات فوتی داخل شهر مربوط به موتورسواران است، آماری نگران‌کننده که ضرورت توجه جدی به آموزش، رعایت قوانین و ارتقای فرهنگ رانندگی در این حوزه را دوچندان می‌کند.

سردار کرمی اسد ادامه داد: هیجانات دوره نوجوانی و جوانی، در کنار برخی رفتارهای پرخطر، می‌تواند احتمال وقوع حوادث را افزایش دهد و به همین دلیل نقش خانواده‌ها در کنترل، هدایت و نظارت بر رفتار فرزندان بسیار مهم و تعیین‌کننده است.

وی تأکید کرد: خانواده‌ها باید از همان ابتدای مسیر، موضوع آموزش، توصیه‌های ایمنی، رعایت مقررات و پایش رفتار فرزندان خود را جدی بگیرند تا استفاده از موتورسیکلت به صورت ایمن، سالم و قانونمند انجام شود.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۰۸۰۰۱۴۰۲ تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۱۹هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۱۲۰۰۸۰۰۱۵۶۶ تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی آقای تیمور حسن قاسمی فرزند سارجه به شماره شناسنامه ۱۱۰۵۴ کد ملی ۴۹۷۹۱۵۰۸۹۶ صادره آق قلا در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۵۰،۵۶ متر مربع ، مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۲۸۲ فرعی از ۱- اصلی واقع در آق قلا- بخش ۷- حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا از سهمی مالک رسمی (حاجی یونس پورقاز) تائید گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود ، در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند ، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

مهناز جهانفر - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا
تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۳/۰۲
تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۳/۱۷

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۰۸۰۰۱۳۹۶ تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۱۹هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۱۲۰۰۸۰۰۱۵۶۷ تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی آقای عبدالوهاب حسن قاسمی فرزند سارجه به شماره شناسنامه ۱۶۴۷۸ کد ملی ۴۹۷۹۲۰۵۰۴۶ صادره آق قلا در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۴۱،۴۴ متر مربع ، مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۲۸۲ فرعی از ۱- اصلی واقع در آق قلا _بخش ۷- حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا از سهمی مالک رسمی (حاجی یونس پورقاز) تائید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود ، در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند ، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

مهناز جهانفر - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا
تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۳/۰۲
تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۳/۱۷

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آراء شماره های ۱۴۰۵۶۰۳۰۲۰۲۳۰۰۰۳۹۶-۱۴۰۵۶۰۳۰۲۰۲۳۰۰۰۳۹۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی اداره ثبت اسناد و املاک مرکزی اصفهان تصرفات مالکانه بلا معارض ششدانگ یکباب خانه تحت پلاک ۶۸۱۲ اصلی بخش ۳ اصفهان که میزان پنج و هفت سیزدهم حبه از ۳۶ حبه از ۷۲ حبه به استثناء بهاء ثمنیه ۳۶ حبه به موجب سند ۳۱۷۴۲ -۸۷/۰۱/۲۸ دفتر ۱۱۲ به نصرت مظاهری منتقل گردیده همچنین بموجب سند ۳۱۷۴۲ - ۸۷/۰۱/۲۸دفتر ۱۱۳ میزان ۶ حبه به آقای جمال رحمانی نسبت به ۴ حبه و نصرت مظاهری نسبت به ۲ حبه منتقل گردیده است، همچنین بموجب سند مذکور فوق میزان شش سیزدهم حبه مشاع به استثناء بهاء ثمنیه اعیانی از دو حبه و ده سیزدهم حبه از ۳۶ حبه از ۷۲ حبه به نصرت مظاهری منتقل گردیده است ، لذا مالکیت آقای جمال رحمانی مزرعه شوری به شناسنامه شماره کد ملی ۵۶۵۹۶۴۴۵۵۴ صادره از کوهپایه فرزند عباس نسبت به ۲ دانگ مشاع از ششدانگ و مالکیت خانم نصرت مظاهری مزرعه شوری به شناسنامه شماره ۱۹ کد ملی ۵۶۵۹۵۸۰۷۷۷ صادره از کوهپایه فرزند حسن نسبت به ۴ دانگ مشاع از ششدانگ باستثناء بهاء ثمنیه اعیانی ۳۶ حبه یکباب خانه به مساحت ۶۵.۷۲ متر مربع مفروزی از پلاک شماره فرعی از ۶۸۱۲ اصلی واقع در اصفهان بخش ۳ اداره ثبت اسناد و املاک مرکزی اصفهان محرز گردیده است و به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

سید اسداله موسوی - رئیس ثبت اسناد و املاک
تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۳/۰۲
تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۳/۱۷

شناسه آگهی:۲۱۸۵۸۳۴